

گزارش

تکذیب نگاه به شرق؟

● محمد حسینی، معاون پارلمانی ریاست‌جمهوری، از سخنانش عقب نشست و آن را ناشی از خطای خبرنگار دانست و گفت تفسیر نادرست رسانه‌ها بر مبنای یک خبر جعلی بوده است. از قول او نقل شده بود که «اگر توافق شد که فی‌المراد اما اگر نشد به سمت «شرق» می‌رویم». یاسر جبرائیلی در واکنش به سخن منتشرشده از سوی حسینی آن را یک خطای راهبردی خوانده که می‌تواند اثرات سوئی برای کشور داشته باشد. او در تویییت نوشته که برای جمهوری اسلامی نگاه به شرق آلترناتیوی در برابر نگاه به غرب نیست، یک راهبرد مستقل با مبانی مستحکم است. حسینی هم توییت جبرائیلی را بازنشر کرده با این نوشته که «من چنین چیزی را نگفتم و بلافاصله با خبرنگار تماس گرفتم و خبر حذف شد و خبر صحیح آن به رسانه‌ها ارسال شد اما رسانه‌های خارجی و غرب‌گرایان با تمسک به این سوزه دست به تخریب زدند. لذا مجدد این خبر تکذیب می‌شود تا دوستان دچار اشتباه نشوند».

روابط‌عمومی معاونت پارلمانی ریاست‌جمهوری هم در اطلاعیه‌ای اخبار منتشرشده اخیر از اظهارات سیدمحمد حسینی، معاون پارلمانی رئیس‌جمهور را خطای خبرنگار در ثبت خبر دانست و ضمن انتقاد از قضاوت‌ها و تفسایر نادرست برخی رسانه‌ها از این خبر کذب، در این اطلاعیه آورده است: «جدا از تکذیب خبر مذکور، رویکرد معاون پارلمانی رئیس‌جمهور در بحث نگاه به غرب و شرق که همان نگاه برگرفته از امامین انقلاب است، بارها در سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهای رسانه‌ای او و به‌ویژه در سخنرانی مذکور اعلام و منتشر شده است، اما گویی برای بهانه‌جویان اصالت خبر مهم نبود و همچنان بر طبل تفسایر نامربوط کوبیدند و متأسفانه برخی دوستان انقلابی هم بی‌اطلاع و بی‌مطالعه با استاد به اخبار جعلی منتشرشده در رسانه‌های معاند، آن را تکرار کردند. البته هدف رسانه‌های معاند برای همه دوستانداران انقلاب مشخص است، اما از دوستان انقلابی انتظار می‌رود که به اخبار نادرست و اخبار رسانه‌های بیگانه استاد نکنند».

به نظر می‌رسد مشکل نه در سخن نقل‌شده از سمت وزیر ارشاد سابق احمدی‌نژاد، بلکه در زمان بیان آن است و احتمالاً تکذیب معاون پارلمانی هم بیشتر سویه زمان‌شناختی دارد تا محتوا. تا جایی که در اطلاعیه معاونت پارلمانی هم به این اشاره شده که بحث نگاه به غرب و شرق در گفته‌های حسینی تازگی ندارد و برگرفته از سخن بزرگان انقلاب است. نشانه دیگر هم تحلیل سایت قدس‌آنلاین است که نوشته بود: «نتیجه چنین اظهارات سیدمحمد حسینی که کوچک‌ترین سررشته‌ای در سیاست خارجی ندارد، ارسال ناخواسته این پیام به چین و روسیه است تا در مسیر احیای توافقی که ایران را از کشیده‌شدن به سمت آن‌ها و تجارتی نامتوازن منصرف می‌کند، مانع‌تراشی کنند؛ چه خوب گفت آن که گفت: جز راست نباید گفت، هر راست نباید گفت. چه آنکه پیش از این هم در دولت گذشته، تجربه تلخی از این دست اظهارنظرها درباره خزانه خالی آن هم

در شب مذاکرات وجود داشت». شواهد بسیاری راقت ما را به این نتیجه برساند که پس‌گرفت سخن از سوی معاون رئیس‌جمهوری دلایلی غیرمحتوایی دارد.

وگرنه روزنامه ایران متعلق به دولت شهریورماه در یادداشتی به قلم غلامحسین اسلامی‌فرد با عنوان «نگاه به شرق در دولت مردمی»، هم‌زمان با حضور رئیسی در اجلاس شانگهای در همین شهرپور نوشته بود: «نگاه به شرق، محصول ظهور یک نیروی جدید و قدرتمند در ساخت نظم جهانی است؛ نظمی که الزاماً دیگر نظم غربی نیست. این نیروی غیرغربی نتیجه جابه‌جایی‌های جریان قدرت در جهان و روند تدریجی شکل‌گیری ساختار متنوع‌تری از نظم بین‌المللی است. ترجیح شرق بر غرب، ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملت‌ها و کشورهای که با ما وجه مشترکی دارند بر دیگران، یکی از اولویت‌های سیاست خارجی دولت مردمی و انقلابی سیزدهم است. با توجه به نزدیک بودن روابط سیاسی و فرهنگی ایران با کشورهای آسیایی، تعاملات گسترده با شرق به جای غرب می‌تواند مسیر هموارتری را در جهت انتقال تکنولوژی‌های روز پیش‌روی کشورمان قرار دهد. تشکیل و تقویت پیمان‌ها و مجموعه‌هایی مانند آسه‌آن و شانگهای و ایجاد قدرت‌های منطقه‌ای جدید، می‌تواند ضمن کاهش هزینه‌ها و رونق اقتصادی، به هرگزندن بیش از پیش منافع کشورها کمک کرده و کاهش تنش‌پذیری ایران از تحریم‌ها را به ارمغان بیاورد».

هم‌زمانی با مذاکرات وین، پالس‌هایی که مستقیم و غیرمستقیم به طرف‌های غربی داده می‌شود، قطعاً تأثیراتی مهم بر روند مذاکرات دارد. غربی‌ها اگر تصور کنند ایران اراده‌ای برای مذاکره ندارد و دل را شش‌دندان به شرق خوش کرده، قطعاً بر سخت‌گیری و امتیازندان مصمتر می‌شوند. نقدهایی که از سوی خودی‌ها به سمت معاون رئیسی روانه شده و تکذیبیه خود او بر همین زمان‌ناشناسی تأکید دارد.

احمد فردید، معروف به فیلسوف شفاهی برای اهالی فلسفه بیشتر از اهالی سیاست‌آشناست، اما چهره‌اش در عرصه سیاست بیشتر به حاشیه و حرف و حدیث کشیده شده است. به اعتقاد برخی عرصه سیاست عملی امروز ایران بدون تأثیر از اندیشه‌های او نیست و نظرات او به اشکال مختلف در سیاست‌ورزی جبرانی از جناح اصولگرا رخنه کرده است. برخی نیز این ادعا را باور ندارند و به کلی سیاست را در اندیشه فردید صرفاً امری گذرا می‌بینند. فردید سال‌هاست از دنیا رفته اما هستند چهره‌هایی که هنوز به او باور دارند. در اصفهان یکی از شاگردان قدیمی او را یافتیم که فارغ از شاگردبودن ارادت ویژه‌ای نیز به فردید داشت و سال‌ها و ساعت‌ها نزد او تلمذ کرده است. گفت‌وگوی «شرق» با محمد رنجبر، مؤسس انتشارات پرشس را می‌خوانید.

آشنایی شما با احمد فردید از کجا و به چه شکل آغاز شد؟

من زاده و بزرگ‌شده شهر آبادان هستم. آبادان شهری بود که به معنی واقعی شهر بود؛ یعنی اگر بتوانیم تعریفی از شهر مدرن داشته باشیم آبادان شهر مدرن بود. همان که فرانسویان به آن سینه می‌گویند. آن موقع کتاب شاعران در زمانه عسرت دکتر داوری و کتاب چند نامه به دوست آلمانی کامو... و... منتشر شده بود. در کتاب شاعران در زمانه عسرت بحث فردید مطرح شده بود و این در ذهن من بود تا سال ۵۶ که ابتدا کتاب بت‌های ذهنی و خاطره ازلی آقای شایگان و سال بعد آسیا در برابر غرب منتشر شد. در سال ۵۸ دکتر داوری و فردید شروع به سخنرانی و تدریس کرده بودند و کم‌وبیش از دور مطالب را دنبال می‌کردم. اما سال ۵۸ برای تحصیل به سوئد رفتم و سال ۵۹ به دلیل مشکلاتی برگشتم و چیزی نگذشت که جنگ آغاز شد و به اصفهان آمدم. در اصفهان موقعیت بهتری برای من ایجاد شد که یکی از آنها نزدیکی به تهران بود و شروع به رفتن به کلاس‌های مرحوم فردید در روزهای دوشنبه و چهارشنبه کردم؛ ابتدا

با زمینه‌هایی که از قبل داشتیم سؤالاتی از ایشان می‌پریدیم و بعد از چند جلسه ایشان گفتند سر کلاس سؤال نپرس و به منزل من بیا. مرحوم فردید می‌گفت من شامه سگی دارم؛ یعنی به سرعت بو می‌کشید و تشخیص می‌داد طرف مقابل چه وضعیتی دارد. او همه را می‌شناخت؛ مجاهدین، توده‌ای، فدایی، مذهبی و همه را می‌شناخت. آن زمان با سختی و مشقت و با یک بطبصوت ابتدایی و نوارهای کاست کلاس کتاب‌ها را ضبط می‌کردیم که تمام آنها نیز موجود است. زمان جنگ رفت‌وآمد هم خیلی سخت بود مثلاً از اینجا تا تهران هشت ساعت طول می‌کشید و شب که می‌رسیدیم تا صبح منتظر می‌ماندیم تا عصر سر کلاس برویم. این مسئله باعث شد نزدیکی بیشتری به ایشان داشته باشم و شرایطی را نیز برای او گفتم که از شهرستان می‌آیم و تلفنی هم در دسترسم نیست که برای جلسات هماهنگ کنم که ایشان گفت هر وقت خواستی بیا. خانه فردید در چهارراه ولیعصر در خیابان بزرگمهر بن‌بست مهربان بود که الان هم مرکز فرهنگی ایشان شده، البته تقریباً تعطیل است؛ کتابخانه فردید نیز آنجاست.

آ فردید به فیلسوف شفاهی معروف است. چرا انتخاب کرد فیلسوف شفاهی باشد؟
اینها بیشتر بهانه و برچسب است. اگر نگاه کنید در ۲۵۰۰ سال تاریخ فلسفه، سقراط هم چیزی ننوشت در دوران معاصر هم خیلی از فیلسوفان چیزی ننداشتند. فردید یک متفکر است؛ یعنی نوشتن دریع ماست نه دغدغه او!

آ ادبیات فردید همراه با واژه‌هایی ابداعی و زبانی معلق است. چرا زبان فردید سخت است؟
هیچ کلمه‌ای نبود که من از سخن ایشان متوجه نشوم. باید توجه کنید که فردید یک انسان غیرغربی است. وقتی یک متفکر ایرانی با ۲۵۰۰ سال تاریخ فلسفه غرب روبه‌رو می‌شود ناچاراً باید خوب آن را بفهمد. فردید برای فهم خیلی از مطالب هایدگر می‌گفت آنها را ترجمه می‌کردم بعد پاره و در سطل اشغال می‌انداختم که من به شوخی می‌گفتم استاد آن سطل اشغال‌ها کجاست. کسی که بتواند این کار را بکند می‌تواند اصطلاح بسازد و این اصطلاحات اصیل‌اند. متفکر اصیل وقتی فکر می‌کند در واقع آنچه را که درمی‌یابد در خود هضم می‌کند. متفکر فکر می‌کند، زبان کار خودش را می‌کند؛ چون زبان ما ویران است و چیزی از زبان نمی‌دانیم و فکر می‌کنیم زبان از آن ماست. درحالی که ما از آن زانیم. اصلاً زبان هست که ما هستیم؛ اگر زبان نبود ما نبودیم.

آ هدایت و فردید نیز رفاقت جالبی را پشت سر گذاشته‌اند. هیچ‌گاه فردید درباره هدایت با شما صحبت کرد؟ نامه‌نگاری این دو چه سیری را گذراند؟
آنها در سال‌های ۲۰ در محفل کافه نادری با هم آشنا می‌شوند. ضمن اینکه یک دوستی نزدیک بین فردید و امیرحسین جهانپلگو بوده است که شاید می‌توانسته این ارتباطات را شکل بدهد. نامه‌نگاری نیز آن زمان معمول بوده و هدایت هم با خیلی از افراد نامه‌نگاری داشته است. البته فردید زیاد نامه نمی‌نوشت مگر اینکه استثنائی باشد. مثلاً یکی از نامه‌های معروفش نامه‌ای به برادر مظفر بقایی است که از او درخواست شغلی در آلمان می‌کند،

سیاست

گفت‌وگو با محمدرنجبر

فردید سیاست‌ساز



برای اینکه از زمان در فرانسه زندگی می‌کرد و دوست داشت به آلمان مهاجرت بکند. حسین آبادیان نیز در کتابش این نامه را آورده است. فردید برای هدایت مهم بود. تنها کسی را که می‌دید خیلی جدی است و اصیل فکر می‌کند و روشنفکر نیست. باعث شده بود با فردید رفت‌وآمد ذهنی و خاطره ازلی آقای شایگان و سال بعد آسیا در برابر غرب منتشر شد. در سال ۵۸ دکتر داوری و فردید شروع به سخنرانی و تدریس کرده بودند و کم‌وبیش از دور مطالب را دنبال می‌کردم. اما سال ۵۸ برای تحصیل به سوئد رفتم و سال ۵۹ به دلیل مشکلاتی برگشتم و چیزی نگذشت که جنگ آغاز شد و به اصفهان آمدم. در اصفهان موقعیت بهتری برای من ایجاد شد که یکی از آنها نزدیکی به تهران بود و شروع به رفتن به کلاس‌های مرحوم فردید در روزهای دوشنبه و چهارشنبه کردم؛ ابتدا

آ گفته می‌شود واژه غرب‌زدگی را آل‌احمد از فردید وام گرفت.

آل‌احمد از طریق یک دوستی با فردید آشنا می‌شود و چند جلسه پیش ایشان می‌رود و فقط این کلمه را می‌گیرد.

آ دعوی آل‌احمد و فردید بر سر چه بود؟
آل‌احمد و فردید بر سر موضوعی بحثشان می‌شود و همدیگر را نمی‌بینند. آنچه تحت عنوان غرب‌زدگی در اندیشه فردید مطرح است، یک موضوع فلسفی در هم‌سخنی با هایدگر است. هایدگر بحث متافیزیک‌زدگی را مطرح می‌کند.

آنچه فردید می‌گوید هم‌عرض این متافیزیک‌زدگی، غرب‌زدگی است چون کلیت این بحث‌ها از یونان شروع می‌شود تاکنون؛ این راه فروپشته‌ای که تفکر غرب با افلاطون و متافیزیک شروع می‌کند تا الان ادامه پیدا می‌کند که شاید یکی از بالاترین وجوهی که می‌توان درباره آن صحبت کرد، به تزلزل افاتدن تفکر افلاطونی در تئولوپرالیسم

غیر می‌باشد. آنچه را الان وجود دارد، ببینید که عملاً آنچه به نام جمهور وجود دارد در همه جای دنیا به تزلزل افتاده است. **آ آیا فردید دارای تعلقات و باورهای مذهبی بود؟**
تفکر فردید را نمی‌توان به مذهب یا فرامذهبی تنزل داد. کاراکتر ایشان مذهبی نبود اما ایشان یکی از بی‌نظیرترین انسان‌هایی بود که دین و عرفان را خوب می‌فهمید.

آ مشخصاً عرض می‌کنم، آیا فردید را هیچ‌گاه هنگام نمازخواندن دیده بودید؟

آ آخرت را چگونه می‌دید؟
خیر. البته وقتی هم من

می‌رفتم منزل ایشان وقت نماز نبود. البته امام زمان را قبول داشت و آخرت را نیز همین‌طور.

آ چه تفاوت‌هایی بین اندیشه فردید با سیدحسین نصر می‌بینید؟

هیچ! نصر خودش را مصلح دینی و سنت‌گرا می‌داند. شاخصه مهم سنت‌گرایی این است که نمی‌خواهند مدرنیته را ببینند و فکر می‌کنند با تنزیه همه چیز متوقف می‌شود. برای اینکه نگوییم کل می صحبت می‌کنم، باید بگوییم شاید نزدیک پنج ترس سر کلاس‌های دکتر محمود بینامطلق بودم. کلاس‌هایی تحت عنوان فلسفه علم در دانشگاه صنعتی اصفهان برگزار می‌کردند. من با تفکر آنها آشنا هستم. بشر امروز برای گذر از نیست‌انگاری باید دل نیست‌انگاری گذر کند نه اینکه بنشیند و بگوید ان‌شاءالله گریه است.

آ در دستگاه فکری فردید، انقلاب چگونه تحلیل می‌شد؟

مرحله گذر است برای رسیدن به پس‌فردای تاریخ و بازگشت به امت واحد. انقلاب واقعی بود، خیلی چیزها اتفاق افتاد، اما واقعاً اصیل‌ترین انقلابی که در عالم وجود داشت و وجود دارد انقلاب اسلامی است.

آ اسم آن را انقلاب اسلامی می‌گذاشت؟
بله. البته از فردید بگذریم، من می‌گویم اگر هر شخص دیگری جز امام خمینی رهبر این انقلاب بود، انقلاب پیروز نمی‌شد. او کاری کرد کارستان. حداقل ۴۰۰ سال شکست و تحقیر تاریخی را از ایران گرفت.

دلیل بزرگ من هم این است که پشت سر انقلاب جنگ را تحمیل کردند تا دوباره غرب، ایران را تحقیر کند، اما من را از مرحله نیست‌انگاری منفلع رهایی بخشید؛ یعنی اگر بخواهم به کلام داریوش شایگان استناد کنم، امام خمینی ما را از تعطیلات در تاریخ رهایی بخشید و وارد تاریخی کرد که دیگر تعطیل‌بردار نیست. ۴۰ سال گذشته گواه زنده‌ای است بر اینکه انقلاب اسلامی ضربه‌های سوزه‌محوری غربی را چنان به چالش کشیده است که آنها در مقابل ایران درمانده و مستأصل شده‌اند. تمامی اندیشکده‌های غربی با صرف هزینه‌های هنگفتی که می‌کنند، نمی‌توانند چیزی به دست

آصحاب سیاست در غرب و آمریکا بدهند که بتواند

دسته‌بندی می‌کرد و می‌گفت از لیبرال‌ها جلوتر هستند

آ رابطه‌اش با بیژن جزنی چطور بود؟

بیژن جزنی یکی از باهوش‌ترین شاگردان فردید بود. فردید از مرگ او خیلی دریغ می‌خورد. فردید می‌گفت جزنی خیلی خوب می‌فهمید.

آ جزنی شفاها در زندان به فرخ نگهدار گفته بود از فردید دوری کنید، او ثبات فکری ندارد. نظر شما چیست؟

بله، گفته بود پرهیز کنید چون می‌دانست تأثیر بسیاری دارد و دیدیم که همین‌طور هم بود. فدایی‌ها واپس ماندند، وقتی انقلاب پیروز شد نابود شده بودند و تمام بزرگانشان از بین رفته بود و سرگردان بودند. عاقبتشان را ببینید. فرخ نگهدار

الان کجاست؟ لندن و بی‌بی‌سی.

آ بعد از انقلاب از نظر سیاسی و اقتصادی، فردید کدام گروه با شخص سیاسی را می‌پسندید؟
به میرحسین موسوی نظر مثبت داشت و می‌گفت خط سه خیلی خوب کار می‌کند.

آ یعنی دیدگاه‌های اقتصادی سوسیالیستی را قبول داشت؟

بله، جمله معروفی هم دارد به این مضمون: ملت ایران اگر به خودآگاهی تاریخ برسند، هرگز تسلیم یوزروازی نخواهند شد. فردید به‌شدت ضد سرمایه‌داری بود.

آ به نظر شما چرا درحالی‌که زیست فکری فردی فردید چندان ربطی به جریان اصولگرایی ندارند. بخشی از جریان اصولگرایی از نظر فکری از فردید الهام می‌گیرد و او را دوست دارد؟

امروز برای اولین‌بار می‌خواهم به نکته مهمی بپردازم که شاید بتواند به فهم مسئله کمک کند. سیر تفکر یک متفکر به‌هیچ‌وجه تابع جریانات و وقایع زمانه نیست؛ نمونه‌اش هایدگر که شش سال ممنوع‌التدریس بود، در این شش سال در جنگ سیاه تفکر می‌کرد و بعد از پایان جنگ جهانی دوم هم بود که دوست نزدیک او اوگین فینک تعریف می‌کند که به دیدنش رفته بود و در خانه‌اش فقط نان و شیر بود. موجب هایدگر قطع شده بود، ولی او تفکر می‌کرد. بلافاصله بعد از ممنوعیت، سخنرانی‌ای در باب تکنولوژی می‌کند؛ حیرت‌انگیز است! یعنی یک متفکر بعد از جنگی که به قول پازولینسی آلمان در سال صفر بود و همه چیز از دست رفته بود، باید و در این زمان درباره خطر تفکر تکنولوژی صحبت کند؟

آنچه برای فردید اتفاق افتاد این بود که یک انقلابی صورت گرفته و این انقلاب یک دگرگونی اساسی و بنیادین در ساختار این کشور به وجود آورده است. فردید می‌گفت کار من این است که به انقلاب مدد برسانم و آنچه را درس می‌داد که جوانان بتوانند راهی را پیدا کنند که گشایشی در تفکرشان اتفاق بیفتد. اول انقلاب هم چیزی به نام اصولگرا و راست سنتی وجود نداشت. مذهبی‌هایی که وجود داشتند هم چند دسته بودند؛ در دسته انجمن حجتیه بود که خیلی از اینها بعد به قول خودشان تویه کردند و به سمت انقلاب آمدند.

آ حضور فردید در میان طیف فکری دانشجویان علم و صنعت، نیروهای نزدیک به اسرافیلیان، احمدی‌نژاد، حسن نیت و قبل‌تر مظفر بقایی را چگونه تحلیل می‌کنید؟
فردید اگر شیطان به دیدنش می‌آمد هم با او می‌نشست.

آ برای همین هم با تیم بقایی و هم راست سنتی همکاری می‌کرد؟

نه، با هیچ‌کس همکاری نمی‌کرد. یک روز دیدن ایشان رفتم، به من گفت دیشب آقای احسان طبری آمده بود اینجا و هشت ساعت بحث کردیم و پیشنهاد داده بود در مجله دنیا مطلب بنویسم. البته جلسات خصوصی بود و نه طبری اجازه می‌داد و نه فردید که کسی حضور داشته باشد.

خیلی‌ها پیش ایشان می‌آمدند. قبل از انقلاب فروغ فرخزاد، احمد شاملو، نصرت رحمانی، سهراب سپهری، روشنفکران بسیاری که در منزل امیرحسین جهانپلگو می‌آمدند از جمله شایگان، آشوری و... البته فروغ جداست. من حتم دارم که شعر زمستانش تحت تأثیر کلام فردید است. طبق تقسیم‌بندی هندی‌ای از تاریخ که اکنون عصر تاریکی است، نشان از همین است. شعر زمستان اخوان هم تحت تأثیر فردید است؛ گرچه ظاهراً برای کودتای ۲۸ مرداد نوشته شده است. اما زمستان شاملو یک شعر سیاسی صرف است و فقط باید خواند.

آ چگونه این مسئله را ثابت می‌کنید؟
من نیازی ندارم چیزی را اثبات کنم. فقط آنچه را می‌بینم، می‌گویم.

آ چرا بنیاد فردید تعطیل شد؟
برای اینکه ما تفکر را دوست نداریم. تفکر فردید خواب بسیاری را هنوز هم آشفته می‌کند. کسی را نداریم که حمایت کند. آنهایی هم که واقعاً با جان و دل می‌خواستند کار کنند و کار هم می‌کردند از ایران رفتند، آنچه هم باقی مانده است...

آ آخرین دیدار شما با فردید چه زمانی بود؟
اسفند ۷۲ صحبت کردیم و قراری گذاشتیم برای اردیبهشت ۱۳۷۳ اما فرصت نشد دیگر او را ببینم. مرداد ۷۳ هم ما را به حال خودمان واگذاشت و رفت. او همیشه آماده رفتن بود چون او یک فردا و پس‌فردا. مارکسیست‌ها را در فردای تاریخ

ادامه از صفحه اول

مذاکرات وین و پارادوکس «تضمین»

هدف کنونی ظاهراً «لغو حداکثری» تحریم‌هاست که رویکرد درستی است. تأمین این هدف در گرو مابازایی است که باید ایران آمادگی پرداخت آن را داشته باشد. این لازمه توافق و منطقی «برد-برد» است. برای دستیابی به این مهم قبلاً توافق «گام به گام» مطرح شده بود. با توجه به وضعیت کنونی چنین توافقی هرچند گشایشی در وضعیت ایجاد خواهد کرد، ولی در تحلیل نهایی در حکم «مسکن» است که رافع مشکلات نبوده و قادر به پرکردن چاله‌های عظیم اقتصاد کشور نخواهد بود. نکته مهم در این خصوص همان‌طور که گفته شد، مابازایی است که باید ایران در مقابل لغو تحریم‌ها بدهد. اگر بنای کشور بر حفظ دستاوردهای هسته‌ای پس از خروج ترامپ که خارج از توافق ۲۰۱۵ بود، باشد، احتمالاً باید شکست قطعی مذاکرات را در آینده‌ای نزدیک شاهد باشیم. بعید است حتی چین و روسیه نیز از چنین رویکردی حمایت کنند. در مورد «تضمین» که بعد از لغو تحریم‌ها مهم‌ترین مطالبه ایران است، موضع آمریکا روشن است. آنها به دلایلی نظیر قوانین داخلی و همچنین ماهیت توافق حاضر به دادن تضمین نخواهند بود. تقریباً با اطمینان می‌توان گفت که هیچ تضمین حقوقی نیز برای آن متصور نیست. مهم‌ترین سازوکار بین‌المللی برای رعایت تعهدات دولت تصور سازمان ملل متحد، شورای امنیت این سازمان و قطع‌نامه‌های آن است، ولی تا جایی که تاریخ چند دهه این سازمان نشان داده، سازوکاری که بتواند عامل اجرایی شورای امنیت برای ممانعت از اقدامات یک‌جانبه دولت‌های قدرتمند شود، در این شورا وجود ندارد. ترامپ فقط از برجام خارج نشد، او تقریباً تمامی تعهدات آمریکا در معاهده‌های بین‌المللی را زیر پا گذاشت و هیچ اتفاقی هم نیفتاد. به نظر می‌رسد بهتر است ایران به جای اصرار بر امری ناممکن در پی تعریفی جدید از آن در سازوکارهای اقتصادی و دیپلماتیک باشد. از سوی دیگر حتی در صورت دستیابی به توافق، در صورت استمرار وضعیت کنونی که در بالاترین سطح تشنج در روابط ایران و آمریکا قرار داریم، شرکت‌های بزرگ اعم از اروپایی و شرقی تمایلی به حضور در ایران نخواهند داشت. سرمایه‌گذاری نیازمند ثبات سیاسی و اقتصادی و مهم‌ترین مزیت برجام برای ایران تا قبل از خروج ترامپ تأمین این دو هدف بود. با امعان نظر به موارد فوق، در عرصه دیپلماسی باید فتنیله تشنج با آمریکا را پایین بکشیم و به قول سیاست‌مدار اصلاح‌طلب کشور، برداشتن یا کوتاه‌ترکردن دیوار بی‌اعتمادی بین دو کشور را در برنامه خود بگنجانیم. آمریکا در پرتو تمرکز بر شرق آسیا از هر اقدامی در این خصوص استقبال خواهد کرد. اگر اندکی از تئوری‌های توطنه ساخته و پرداخته رسانه خاص فاصله بگیریم، ناراضیاتی مشهود رژیم صهیونیستی از سفر دو مقام ارشد (رئیس موساد و وزیر دفاع) به آمریکا و ناکامی در کسب رضایت دولت یابین، دلیل روشنی بر تمایل آمریکا برای پرهیز از افزایش سطح تنش با ایران است. مضافاً اینکه برای مهار و جلوگیری از تحرکات اسرائیل در کشورهای هم‌جوار نیازمند برخورداری از روابطی قابل اتکا با همسایگان هستیم؛ بهبود روابط با کشورهای پیرامونی درحالی‌که در بالاترین سطح تنش با آمریکا قرار داریم، مستوی است که فقط در آرزوهای می‌توان آن را ترسیم کرد. در عرصه اقتصادی حضور شرکت‌های بزرگ اقتصادی آمریکا در ایران به‌خصوص در پروژه‌های درازمدت قوی‌ترین تضمین برای عدم خروج این کشور از توافق خواهد بود. روش است دو سناریوی فوق‌الذکر دو دوری یک سکه‌اند که در صورت فقدان یکی، تحقق دیگری عملاً ناممکن خواهد بود. اقدامات بخش هسته‌ای برجام، نشان داد پیشرفت‌های تکنولوژی هسته‌ای در حدی است که هر زمان لازم باشد می‌تواند آن را به‌رغم همه محدودیت‌ها کلید بزند. هنر دیپلماسی در دنیایی که مهم‌ترین عامل در مناسبات جهان «توازن قدرت» است، چگونگی استفاده از این توانمندی در بزنگاه‌های مهمی همچون مذاکرات هسته‌ای جاری است.

توپ بودجه در زمین شورای ششم!

... همچنین ردیف‌های اعتباری مثل ایجاد مراکز سیار ارائه خدمات به کودکان در معرض آسیب و اجرای پروژه‌های توسعه محلی در محلات پراسیب شوش، خازیر، فرحزاد و... نیز با کاهش مواجه شده‌اند. از حاج حبیب کاشانی که در اولین گزارش درآمد و هزینه شش‌ماهه شهرداری در سال ۱۴۰۰، بودجه مصوب شورای قبل را سیاسی خوانده بود تا مهدی چمران که در حال بررسی اصلاحیه بودجه گفته بود به بودجه اب بسته بودند و ۵۰۰ هزار میلیارد قابل تحقق نیست، حالا دیگر بعد از تصویب لایحه اصلاحیه بودجه سال ۱۴۰۰ نمی‌توانند تقصیر را گردن شورای‌پنجمی‌ها بیندازند. آنچه تصویب کردند دیگر یک سند مصوب شورای ششم است؛ سندی که مسئولیت اصلاحیه تصویب و نظارت بر اجرای آن بر عهده اعضای شورای ششم است و نمی‌توانند نتیجه این اصلاحیه را به دیگری نسبت دهند. حالا بعد از چهار ماه دیگر توپ بودجه با این مصوبه در زمین شورای ششم است!

● **کارشناس بودجه و مالیه شهری**